

اخبار کارگری

کارکنان حل اختلاف خوزستان
با شرایط دشوار معیشتی مواجهند
کارکنان حل اختلاف استان خوزستان که عموماً زنان سرپرست خانوار و مادر چند فرزند هستند، از دشواری شرایط کاری خود انتقاد کردند. به گزارش ایلنا، این افراد می گویند: سال هاست که بلا تکلیف و در انتظار تبدیل وضعیت هستیم، ما با حقوق زیر ۱۸ میلیون تومان کار می کنیم آن هم در شرایطی که هزینه های زندگی، حداقل ۷۰ میلیون تومان است. یکی از خانم های شاغل در حل اختلاف خوزستان که ۱۵ سال سابقه کار دارد، می گوید: در این سال ها هیچ زمان تصمیمی برای تعیین تکلیف ما نگرفته اند. ما به صورت کارمزدی و بدون قرارداد رسمی و مستقیم کار می کنیم، حقوق من ابتدای سال ۱۸ میلیون تومان بود اما جالب اینجاست که در دو ماه اخیر از حقوق من و همکارانم کسر کرده اند و چند میلیون از حقوق ناچیز ما بر داشتند. به گفته وی، در دو ماه اخیر، حقوق برخی خانم ها خیلی ناچیز و حدود ۱۰ میلیون تومان بوده است. این خانم کار گر با بیان اینکه «مسال مشمول افزایش حقوق نشدیم» افزود: حتی سال قبل هم حقوق ما افزایش ندادند. ما با حقوقی کمتر از ۱۸ میلیون تومان باید به مسائل و مشکلات حقوقی مردم رسیدگی کنیم. به نظر شما، یک زن سرپرست خانوار در چنین شرایطی، تمرکز و انگیزه لازم برای رسیدگی به اختلافات مردم را دارد؟ او ادامه داد: بیشتر نیروهای حل اختلاف خوزستان، خانم و بعضاً سرپرست خانوار و مستاجر هستند، زندگی استیجاری با حقوق زیر ۱۸ میلیون تومان، یک بدبختی ابدی است. گویا ما محکوم به فقر مطلق هستیم و چشم انداز روشنی پیش رویمان نمی بینیم. این کارکنان از مسئولان در خواست دارند صدایشان شنیده شود. آنها خطاب به تصمیم گیران می گویند: به وضعیت بحرانی حقوق و دستمزدمان رسیدگی کنید البته پیش از آن، وضعیت نابسامان قراردادهای مار اصلاح کنید. ما نیز و ها ی سابقه هستیم و نباید دستمزدمان را کارمزدی و حق الزحمه ای بپردازید.



پیش نویس متن مورد نیاز برای دور کاری کارمندان از سوی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور برای بررسی و تصویب به هیات دولت ارائه شد تا در صورت تصویب، مصوبه مورد نظر هفته آینده ابلاغ شود. به گزارش تسنیم، هدف از تدوین این پیش نویس، رفع چالش های موجود در اجرای دور کاری از جمله تأمین زیرساخت ها، امنیت داده ها، فن هنگ سازی و اصلاح نگه داری برخی مدیران نسبت به دور کاری عنوان شده است. براساس رویکرد دپهینه مورد نظر دولت، فعالیت هایی که نیازمند تمرکز فردی و انجام کارهای علمی و پژوهشی هستند، می توانند از طریق دور کاری انجام شوند. در مقابل، فعالیت هایی که ماهیت گروهی دارند و انجام آنها مستلزم تعامل، همفکری و حضور همزمان کارکنان است، به صورت حضوری دنبال خواهند شد. بر این اساس، رویکرد جدید دولت به دور کاری، جایگزینی کامل حضور کارکنان با دور کاری نیست، بلکه تفکیک مشاغل و فعالیت ها بر اساس ماهیت کار و امکان انجام مؤثر آن به صورت غیر حضوری است.



عضو هیات مدیره کانون کارگران ساختمانی کشور:
استیضاح میدری،
نتیجه انتصابات مدیران شستا است

عضو هیات مدیره کانون کارگران ساختمانی کشور، استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را محصول انتصابات دو سال گذشته در شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی دانست. شوکت با اشاره به طرح استیضاح میدری در مجلس به ایرنا گفت: بهتر بود که استیضاح کنندگان پیش از طرح این موضوع، از نمایندگان مجامع کارگری در استان ها و کانون های بازنشتستگی نظرخواهی می کردند اما به نظر می رسد مسائل جناحی و حزبی را ملاک قرار دادند و پای موضوعی رفتند که قاطبه کارگران و بازنشتستان به عنوان ذی نفعان وزارت کار به دنبال آن نیستند. به گفته شوکت در این مقطع آخرین وزیری که باید استیضاح شود، وزیر کار است چرا که عمده مشکلات متوجه مسائلی چون تورم و افزایش قیمت ارز است اما ظاهراً دغدغه گروهی از نمایندگان تعیین مدیران شرکت های شرکت سرمایه گذاری سازمان تأمین اجتماعی (شستا) است.



یک کارگر ساختمانی
قربانی سقوط از ارتفاع شد
عصر روز چهارشنبه (اول مهر) حادثه سقوط از ارتفاع در یک ساختمان نیمه کاره در خوی آذربایجان شرقی، به مرگ یک کارگر انجامید. به گزارش ایلنا، بررسی های اولیه نشان می دهد عدم رعایت اصول ایمنی کار در ارتفاع، عامل اصلی بروز این حادثه مرگبار بوده است. در این حادثه، کارگر در محل سقوط، در دم جان باخت.



سوختگی سه نفر از کارکنان پالایشگاه آبادان
روز پنجشنبه (دوم مهر ماه) کوره واحد ۷۰ پالایشگاه آبادان دچار حادثه ای ناگهانی شد و سه محله ای آتش به سرعت در اطراف آن پراکنده شد. در جریان این حادثه، سه نفر از کارکنان این پالایشگاه مصدوم و به بیمارستان طالقانی اهواز منتقل شدند. به گزارش ایلنا، «محمد رضا مولوی زاده» استاندار خوزستان در حاشیه عیادت از مصدومان این حادثه اظهار کرد: اقدامات درمانی لازم برای این افراد در حال انجام است و امیدواریم بر شرایط آنان بهبود یابد.

آموزش عمومی در قوانین کشور حقی همگانی و رایگان است اما فاصله میان دستمزد و هزینه های زندگی باعث شده خانواده های کم درآمد برای تأمین بخشی از ملزومات تحصیل فرزندان خود با محدودیت های جدی روبه رو شوند. هزینه هایی که در ظاهر ممکن است هر کدام کوچک به نظر برسند اما خرید ملزومات تحصیل از لوازم التحریر و پوشاک مدرسه گرفته تا اینترنت و ابزارهای دیجیتال، در مجموع سهم قابل توجهی از درآمد خانوار را به خود اختصاص می دهند.

به گزارش ایلنا، مهر ۱۳۹۹ و در اوج همه گیری کرونا، انتشار خبر خودکشی «محمد موسوی زاده» دانش آموز ۱۱ ساله شهرستان دیر در استان بوشهر، واکنش های گسترده ای به دنبال داشت. در روایت هایی که آن زمان در باره این حادثه منتشر شد، ناتوانی خانواده در تأمین گوشی تلفن همراه برای آموزش مجازی به عنوان یکی از عوامل مطرح شد؛ موضوعی که با تکذیب ها و روایت های متفاوت برخی مسئولان نیز همراه بود. فارغ از اختلاف روایت ها در باره علت این حادثه، ماجرای آن یکی از نمونه هایی بود که شکاف دسترسی به ابزارهای آموزش دیجیتالی را در دوره همه گیری کرونا به مساله ای عمومی تبدیل کرد.

در آن دوره، آموزش مجازی و وابستگی دانش آموزان به تلفن همراه، تبلت، اینترنت و دسترسی به فضای مناسب برای مطالعه را افزایش داد. اگر چه با بازگشت آموزش حضوری، نقش ابزارهای دیجیتال به اندازه دوران آموزش مجازی فرگیر نیست اما این ابزارها همچنان در بخش هایی از ارتباط دانش آموز با مدرسه، دسترسی به محتوای آموزشی، انجام تکالیف، استفاده از منابع کمک آموزشی و ارتباطات آموزشی مورد استفاده قرار می گیرند.

مدرسه ای که قرار بود رایگان باشد

اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت را موظف کرده وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تأمین کند. به متوسطه فرامد کند. بر پایه این اصل، آموزش نه کالایی قابل خرید و فروش، بلکه حقی عمومی و از مسئولیت های ذاتی حاکمیت است اما واقعیت روزمره زندگی طبقه کارگر، چیز دیگری را نشان می دهد.

در گام نخست، ادعای رایگان بودن مدارس دولتی یا بخشیه های پنهان، هزینه های ثبت نام و «کمک های نیمه اجباری» مخدوش می شود؛ هزینه هایی که گزارش های میدانی گواهی بر همه گیری آنهاست. در گام بعد، حتی با صرف نظر از این هزینه ها، مجموعه ای از الزامات دین نظیر ابزارهای دیجیتال، اینترنت، پوشاک، رفت و آمد، مستلزمات یادگیری خودنمایی می کنند که دولت بر تأمین آنها را تماماً به جیب خالی خانوار منتقل کرده است.

این هزینه ها برای یک خانواده مرفه تنها بخشی از درآمدهای مازاد محسوب می شود. آنان در شرایط بحرانی به راحتی معلم خصوصی، تجهیزات پیشرفته یا کلاس های جایگزین تهیه می کنند اما برای خانوار کارگری با درآمد زیر خط فقر، «هزینه واقعی آموزش» یکسکه هزینه عادی نیست، بلکه فشاری مستقیم بر سبد معیشت

گفت و گو

است و خانواده را میان تغذیه، مسکن یا ادامه تحصیل فرزندان در موقعیت انتخابی درنکاد قرار می دهد.

هزینه هایی که دیده نمی شوند

هزینه تحصیل تنها به مبلغی که مستند است مدرسه از خانواده در یافت کند محدود نمی شود. دانش آموز برای حضور مؤثر در مدرسه به مجموعه ای از ملزومات نیاز دارد از کتاب و دفتر و لوازم التحریر گرفته تا لباس و کفش. هزینه رفت و آمد و در مواردی دسترسی به اینترنت و ابزار دیجیتال، برای خانواده ای که چند فرزند مدرسه ای دارد، این هزینه ها به صورت همزمان تکرار می شوند بنابراین حتی اگر مدرسه دولتی شهریه ای دریافت نکند، «هزینه واقعی تحصیل» برای خانوار همچنان وجود دارد. در این ساله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که قیمت کالاهای مورد نیاز دانش آموز را در کنار دستمزد قرار دهیم.

نگاهی به بازار شهر پور ۱۴۰۵، باعادیین فشار مالی را عریان می کند. در حوال حاضر ارزان ترین تبلت حداقل ۳۱ میلیون تومان و ارزان ترین گوشی های هوشمند موجود در بازار قیمتی بین ۲۸ تا ۴۰ میلیون تومان دارند. این در حالی است که حداقل دریافتی ماهانه کارگران با دو فرزند و با تمامی مزایا حدود ۲۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است. زمانی که محاسبات مستقل، هزینه ماهانه یک خانواده کارگری را حدود ۹۰ میلیون تومان و خط فقر را بالای ۷۰ میلیون تومان برآورد می کند این درآمد حتی پاسخگوی هزینه های اولیه مسکن، خوراک و درمان نیست.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری:

قیمت ساده ترین گوشی هوشمند ۱.۶ برابر دستمزد کارگران است

تثبیت فقر بین نسلی در طبقه کارگر



در چنین شرایطی، قیمت یک گوشی ۳۸ تا ۴۰ میلیون تومانی از دستمزد یک ماه کارگر بیشتر است و در واقع قیمت ساده ترین گوشی هوشمند در بازار، ۱۵ تا ۱۶ برابر دستمزد یک کارگر حداقل بگیر و پیر فرزند دانش آموز است. از طرف دیگر معیار انتخاب برای چنین خانواده ای نمی تواند فقط قیمت دستگاه باشد؛ پشتیبانی نرم افزاری و امکان استفاده چندساله نیز بخش دیگری از هزینه واقعی آن است. اگر ارزان ترین دستگاه موجود دوام لازم را نداشته باشد یا پس از مدتی توان اجرای برنامه های آموزشی را از دست بدهد، هزینه مجددی بر دوش خانوار بار می شود.

این فشار مالی برای یک دانش آموز در خلانتناقی نمی افتد. به این ترتیب، پول یک گوشی اقتصادی نیز می تواند معادل بخش قابل توجهی از درآمد ماهانه یک کارگر باشد. برای خانواده ای که همزمان باید هزینه مسکن، خوراک، درمان و سایر نیازهای ضروری را تأمین کند، خرید چنین وسیله ای دیگر یک خرید مصرفی ساده نیست.

در ساختار فعلی، فرزندان فرودستان قربانی نابرابری می شوند. افت کیفیت آموزش، محرومیت از مهارت آموزی و افزایش احتمال خروج زودهنگام از چرخه تحصیل، این کودکان را در آینده به سمت مشاغل بی ثبات، غیر رسمی و کم درآمد سوق می دهد

نمی توان از وضعیت عمومی تورم و دستمزد خانوار جدا کرد. افزایش قیمت کالاهای و خدمات، سهم بیشتری از درآمد خانواده های کم درآمد را به نیازهای ضروری اختصاص می دهد و در نتیجه، هزینه هایی که امکان حذف یا تعویق آنها وجود دارد، زودتر از سبد خانوار کنار گذاشته می شوند.

براساس آمارهای مرداد ۱۴۰۵، تورم نقطه به نقطه کالاهای غیر خوراکی و خدمات به ۶۷.۶ درصد در حوزه آموزش به ۴۷.۷ درصد رسیده است. فشار توری برای همه خانوار هائیز یکسان نبوده است. براساس همین آمار، تورم سالانه دهک دوم درآمدی ۷۸.۳ درصد بوده، در حالی که این نرخ برای دهک دهم ۶۶ درصد ثبت شده؛ یعنی میان این دو دهک ۱۰.۷ واحد در صد اختلاف وجود داشته است. در تورم نقطه به نقطه نیز دهک دوم با نرخ ۱۰.۴ درصدی در مقایسه با ۵.۷ درصد برای دهک دهم، افزایش قیمت بیشتری را تجربه کرده است.

این تفاوت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که بدانیم خانوار های کم درآمد بخش بیشتری از درآمد خود را صرف هزینه های ضروری می کنند. در چنین شرایطی، افزایش قیمت کالاهای و خدمات می تواند فضای کمتری برای هزینه هایی باقی بگذارد که از نگاه خانواده قابل حذف یا تعویق هستند؛ از خرید کتاب های کمک آموزشی و پرداخت هزینه کلاس های تقویتی گرفته تا تهیه ابزار دیجیتالی یا تعویض وسیله ای که دیگر پاسخگوی نیازهای آموزشی نیست.

فرزندان کارگران در جامی زند

در مجموع، مساله آموزش تنها به میزان هزینه ای که خانواده مستقیماً برای مدرسه پرداخت می کند محدود نمی شود. وقتی قدرت خرید خانوار کاهش پیدا می کند، توان آن برای تأمین هزینه های مکمل آموزش نیز کاهش می یابد و تفاوت میان خانواده هایی که امکان پرداخت این هزینه ها را دارند و خانواده هایی که ندارد نمی تواند به تفاوت در فرصت های یادگیری منجر شود. در نتیجه، در طول زمان، شکاف آموزشی میان طبقات جامعه عمیق تر می شود؛ شکاف آموزشی عمیق به معنای سلب قدرت تحرک طبقاتی طبقه کارگر است و لاجرم فرزندان کارگران در جامی زند.

در این ساختار، فرزندان فرودستان بدون آن که تقصیری داشته باشند، قربانی نابرابری می شوند. افت کیفیت آموزش، محرومیت از مهارت آموزی و افزایش احتمال خروج زودهنگام از چرخه تحصیل، این کودکان را در آینده به سمت مشاغل بی ثبات، غیر رسمی و کم درآمد سوق می دهد؛ فرایندی غیر عادی که چرخه فقر را از یک نسل به نسل بعد منتقل و تثبیت می کند. وقتی دولت از وظیفه حاکمیتی خود در تأمین ابزار برابر آموزش شانه خالی می کند، آموزش عمومی از ابزاری برای پویایی اجتماعی، به ابهرمی برای «تثبیت» و باز تولید نابرابری طبقاتی «تغییر کارکرد می دهد. روی کاغذ، آموزش برای همگان رایگان است اما در عمل، تنها کسانی از فرصت واقعی یادگیری برخوردار می شوند که از طبقات بر خوردار جامعه هستند و فرزندان طبقه کارگر و فرودست از این امکانات دور می مانند و هر روز بیشتر سقوط می کنند.

تلاش کند تورم را کنترل کند. البته بخشی از این موضوع را می توان خارج از اختیار دولت دانست و بخشی به تحریم ها و قیمت تمام شده مواد اولیه برمی گردد.

صادقی افزود: دارو و نگاه کنید. در کشور ما بخشی از کالاهای اساسی و کالاهای روزمره، رشد توری بسیار بالایی داشته اند. در سید ماینگین، تورم حدود ۸۰ درصد و فکر می کنم در سیدفراوانی حدود ۶۷ درصد است. اگر کسی بگوید دستمزد در تورم نقش دارد، حرفش درست نیست. دستمزد کارگران در میان عوامل موجود شاید از آخر اول باشد. نقش دستمزد در تورم بسیار محدود است و حتی به یک درصد هم نمی رسد.

او در پاسخ به اینکه علت بر گزارد نشدن یا با تأخیر بر گزار شدن جلسات شورای عالی کار را چه می داند، توضیح داد: اطلاعات مستقیم ندارم. هیچ زمانی برای بازنگری در دستمزد یا حقوق ها، جلسه شورای عالی کار را در نیمه دوم سال نداشتیم. شاید در رابطه با واحدهای بحران، واحدهایی که بحران دارند، مباحث مربوط به مشاغل و موضوعات دیگر، شورای عالی کار جلسه داشته باشد ولی صرفاً در رابطه با دستمزد و حقوق ها این نخستین بار است و باید این موضوع را تشویق کنیم که استمرار داشته باشد.

صادقی در باره اینکه آیا اطلاع دارد چه تصمیمات جزئی و تقریبی در جلسه اخیر گرفته شده، خاطر نشان کرد اطلاعات مستقیم ندارم و از منابع غیر موق شنیدهام که یک مبلغ پیشنهاد شده تا به حقوق همه سطوح به صورت ثابت اضافه شود که به هر حال می تواند یک گام باشد.



جایگزینی آنها با چهره های پاسخگو و مطالبه گر اقدام کند. شبیری در پایان تأکید کرد که مدیریت کشور جای از مون و خطا نیست و دولت باید به جای ارائه وعده های تکراری، اقدامات عملی و ملموس برای تأمین امنیت معیشتی مردم اتخاذ کند.

در فرآیندهای تصمیم گیری و نظارت بر امور مرتبط با مطالبات این صنف و اداره صندوق ذخیره فرهنگیان شهاند. در بخش دیگری از این کارزار، بر اجرای کامل حقوق قانونی معلمان شاغل و بازنشسته تأکید شده و رسیدگی مشخص و زمان بندی شده به مطالبات معیشتی، درمانی و رفاهی آنان به عنوان اولویت مطرح شده است. در متن کارزار آمده که مطالبات فرهنگیان در چارچوب قانون و از مسیر گفت و گو و مطالبه گری مسالمت آمیز پیگیری می شود و مسئولان باید پیش از انباشته شدن نارضایتی ها، نسبت به خواسته های مطرح شده پاسخ گو باشند.

بامضای یک کارزار:

معلمان شاغل و بازشته خواستار دریافت حقوق قانونی و عادلانه شدند

صندوق ذخیره فرهنگیان و صیانت از دارایی های آنان تأکید شده است. امضاکنندگان از مسئولان خواسته اند گزارش هایی شفاف، زمان بندی شده و قابل سنجش از اقدامات انجام شده برای پاسخگویی به مطالبات فرهنگیان ارائه دهند.

امضاکنندگان این کارزار همچنین خواستار حضور مؤثر و واقعی نمایندگان فرهنگیان

ملموس زندگی مردم، شکاف میان آمار و واقعیت های موجود در سفره های کارگری را افزایش داده است.

بازرس کانون انجمن های صنفی ساختمانی با انتقاد از رویکرد آماری برخی مسئولان افزود: مدبرانی که تنها با تکیه بر گزارش ها و نمودارهای رسمی، وضعیت اقتصادی را مطلوب جلوه می دهند، از پیامدهای تورم افشار گسیخته بر حقوق ثابت وی بی ثباتی درآمدی کارگران فصلی بی خبر هستند.

وی با اشاره به وضعیت آسیب پذیر کارگران فصلی تصریح کرد که این گروه از کارگران با کوچک ترین نوسانات اقتصادی

بازرس کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی سراسر کشور، سوءمدیریت در بدنه اجرایی کشور را عامل اصلی تشدید مشکلات معیشتی خانواده های کارگری و حقوق بگیر دانست. عباس شبیری در تحلیل وضعیت اقتصادی فعلی به ایلنا گفت: بخش قابل توجهی از فشارهای معیشتی که امروز بر دوش کارگران فصلی و حقوق بگیران ثابت سنگینی می کند، نتیجه مستقیم تصمیمات ضعیف و مدیریت های ناکارآمد در برخی نهادهای دولتی است.

وی خاطر نشان کرد که عدم توجه مدیران به واقعیت های

بیش از ۴ هزار و ۷۰۰ نفر از معلمان شاغل و بازنشسته بامضای یک کارزار، خواستار رسیدگی به مطالبات معیشتی، درمانی و رفاهی خود و شفاف سازی درباره حقوق و منافع اعضای صندوق ذخیره فرهنگیان شدند.

به گزارش ایلنا، در این کارزار، بر ضرورت تعیین تکلیف حقوق و ارزش مالکانه اعضای